




کلوپ متخصصین
نساجی و پوشاک





دوستان عزیز سلام


در طول این سال‌ها که نساجی امروز را منتشر می‌کنیم، بارها و بارها از زبان صنعت‌گران و متخصصین و مدیران صنعت درد دل‌های کوتاه اما پر مفهومی شنیده بودم که به دلیل محدودیت‌هایی (از جمله عدم تمایل اشخاص به مصاحبه و یا عدم تمایل به درج نام بدلیل مسائل شخصی و شغلی و ...) امکان چاپ آنرا نداشتیم و یا گاهی این درد دل‌ها بقدری مختصر و مفید بود که امکان طرح آن در قالب مصاحبه مقدور نبود و همچنین بارها و بارها شنیده ام که یکی از بزرگترین مشکلات صنعت نساجی ما حرف نزدن متخصصین و مدیران صنعت است و اینکه طرح مسائل و مشکلات فقط از زبان و بیان و دیدگاه اشخاص خاصی صورت می‌گیرد و بقیه فقط نظاره‌گرند ... و سالها بود دنبال فرصتی بودیم تا بتوانیم راه حلی برای این موضوع پیدا کنیم که به مدد پیشرفت تکنولوژی موفق به تشکیل "کلوپ اینترنتی متخصصین و مدیران صنایع نساجی" شدیم تا گپ و گفت‌های خودمانی و تحلیل‌های شخصی خود را به اشتراک بگذارند و از آنجا که مجله نساجی امروز بعنوان تریبون پرمخاطب نساجی ایران بدست مدیران و مسولین دولتی اعم از تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان و نیز مدیران و صاحبان صنایع و صنعتگران دلسوز و نیز متخصصین و مهندسیین سخت‌کوش و اساتید محترم دانشکده‌های نساجی میرسد امیدواریم با طرح این دیدگاهها در سرفصل جدید کلوپ متخصصین نساجی و پوشاک، بتوانیم گامی موثر در راستای تعامل و هم‌اندیشی بیشتر اعضای خانواده نساجی ایران برداریم. همچنین شماره موبایل ۰۹۱۲۳۰۵۳۵۳۹ و یا ۰۹۱۲۳۰۶۶۹۰۶۸۲۰ سامانه دریافت و ارسال پیام کوتاه موسسه نساجی امروز آماده دریافت نظرات و دیدگاه‌های ارزشمند شما برای چاپ در مجله می‌باشد. از اینکه ما را با طرح دیدگاه‌های ارزشمندتان یاری می‌دهید صمیمانه سپاسگزاریم. بیرو فرمایشات دوستان در خصوص هماهنگی بیشتر جهت اطلاع از جلسات و نشست‌های کلوپ (بدلیل عدم دسترسی مداوم به فیس بوک) خواهشمند است دوستان علاقمند نام و نام خانوادگی خود را به ۰۹۱۲۳۰۵۳۵۳۹ ارسال فرمایند.


خ: سلام دوستان، من الان ترم ۲ تکنولوژی نساجی هستم و خیلی هم به رشته ام علاقه دارم، همیشه دنبال یه رشته خاص می‌گشتم که تونستم خدا رو شکر پیدا کنم. اما الان به یه مشکل که برخوردیم اینه که می‌گن مهندسیین تکنولوژی تقریباً هیچ کارن! | می‌گن کار مهندسای نساجی رو یا مهندسیین مکانیک انجام میدن یا کارگرای با سابقه !!
برای همین تصمیم گرفتم تغییر گرایش بدم به شیمی نساجی ... احساس میکنم این گرایش بازار کار وسیع تری داره ... اما هنوز دو دلم: | می‌خوام اگه میشه یه راهنمایی بکنین و بهم بگین چه در داخل ایران و چه در خارج، کدوم گرایش پر کاربرد تر هست؟
و یه سوال دیگه اینکه از بین "تکنولوژی" و "شیمی" کدوم تقریباً هنری تر و خلاقانه تر هست. ممنون.


 پ.ز: من نگفتم که تغییر بدی فقط کمی اطلاعاتی که داشتیم رو گفتم بهتر. اگر علاقه به رشته داری که منم دارم و رشته خوبیه به نظر من شیمی پراينده تر و پرکارتره.

 خ: بله .. خودمم از شیمی و کارای آزمایشگاهی بیشتر خوشم میاد تا کارای فنی ... اما توو انتخاب رشته کنکور اول تکنو رو زدم بعد شیمی ... اما خوشبختانه شیمی هم رتبه شو آوردم برای همین سخت نیست تغییر گرایشم ... خودمم احساس میکنم شیمی بیشتر به توانایی هام میخوره ... چون از کار فنی شدید بدم میاد.

 آ.ب: تو هرکاری برای موفق شدن تجربه لازم داری و علاقه. من به غیر از کار خودم الان دارم با یه کارخونه نسبتاً خوب که تمام ماشین‌آلاتش سال ۸۳ نصب شدن و من اون موقع فول تایم اونجا کار میکردم. مدیر کارخونه کارشناس ارشد تکنولوژییه و به همه مسایل وارده و حتی در زمینه چاپ هم اطلاعاتش کامله و از زیر و بم تمام ماشین‌آلات

 خ: نمیدونم والا ... از آشناهای خودم، ۲ نفر لیسانس تکنولوژی دارن، یکیشون مشاور کنکور هست، اون یکی هم ریاضی درس میده یعنی بازار کار واسه هر دوی تکنولوژی و شیمی خرابه؟؟؟
آخه باز یکی از آشناهامون شیمی نساجی خونده، الان توی شرکت نفت کار میکنه !!

 پ.ز: به نظر من کار توی شیمی بیشتر و خلاقیت بیشتر، شاید حقوقاً بیشتر. توی چندین کارخونه که کار کردم نمی‌گم بزرگ بودن اما تکنولوژی ندیدم. الان توی ایران ۱۰ نفر نمی‌شن که کارهای فنی تمام کارخانجات نساجی رو می‌چرخونن چه برق چه فنی، اونها هم تجربی کار هستند و معروف در این رشته!!! کمتر تکنوها وارد این کار میشن!!

 خ: ممنون، اگه میدونستم زودتر تغییر می‌دادم گرایشمو، باز ممنون واسه اطلاعات مفیدتون.



ماشین نصب کنیم. بین علاقه ت چیه و گفتم اگه انتظار درآمد خوب داری خیلی به این رشته امیدوار نباش و اینکه اگه وارد میشه واقعا یه مهندس باش. و گر نه ببخشید که اینو میگم، مضحکه یه عده کارگر و تجربی کار میشی که بعد از سالها کار تو صنعت خیلی راحت قورت میدن.



آ.ب: من تو کارخونهایی که کار میکردم برای هر قسمت متناسب با گرایششون نیرو میگرفتن برای رسیدگی و بافت تکنولوژی و برای رنگرزی و تکمیل شیمی و برای کنترل کیفیت از هر دو گرایش.



ا.ص: به توصیه بهت می کنم: برو توی قسمت فروش شرکت ها از الان کار کن. حتی مجانی. از اون مهم تر می تونی بری گمرک کار ترخیص یاد بگیری و بعدش هم واردات / صادرات (عملیات بازرگانی به مفهوم واقعی).

منتهی توی رشته خودت و گرایش های نساجی حرفه ای گمرک بشو. اگر اینی که گفتم سر شش ماه / یکسال خوب یادگیری همه اینایی که بالا کامنت گذاشتن مشتریات میشن و خودت میشی بازار! میگی نه؟ از شون بپرس!



ا.ز: دوستان عزیز من برای حرفه همه عزیزان عضو این کلوب ارزش خاص و ویژه ای قائلم اما دوستان چند نکته حائز اهمیت هست که دوست دارم بدویند...

۱- این آقای عزیز هنوز ترم ۲ هست و یک دانشجوی ترم ۲ مشاوره در سطح حرفه اصلی پیدا کردن یا .. نمی خواد!!! یک روحیه قوی برای درس خوندن در زمینه نساجی احتیاج داره...اون پیشنهادهای کاری همه برای افرادی کار کرده و فارغ التحصیل هستند دوستان...مگه نساجی فقط فروخته؟؟؟؟ اگه کارخانه ای تو ایران نباشه که پارچه ای رو بر فرض مثال رنگ کنه این دوست ما چه رنگی برای کجا وارد کنه؟؟؟

۲- نیروی متخصص نساجی در همه زمینه ها کم داریم...اگر باور نمی کنید به دوستانی که در کارخانجات هستند مطرح کنید...ببینید از کمبود نیروی خود می نالد یا نه؟ حداقل که تو یزد کمبود نیروی متخصص نساجی هست...مشکل اینجاست که کسی تو کارخانه حاضر به کار کردن نیست و همه دنبال حقوق ۲ میلیونی برای اول کار و شروع کار می خواهند...بنده به شخصه با ماهی ۲۰۰ شروع کردم و الان هم پست عالی دارم هم حقوق و مزایای خوب.

۳- مشکل ما ایرانی های عزیز در یک چیزه...همه چیز می خواهیم!!! هر کاری رشته ای هر جایی سختی های خاص خودش رو داره و اگر این سختی رو قبول نکنیم به جایی نخواهیم رسید...نه با مدیریت نساجی...نه با تکنولوژی نه با شیمی و نه با صنایع نساجی...

صحبت های بنده نقد پذیر و قابل بحث است خوشحال می شم با دوستان عزیزم و همکارانم بحث کنم.



ا.ص: آقای از. یه سوال حقوق ۲۰۰ تومنی ما چند سال پیش بود؟ اگر فرض کنیم مال پارسال هم بوده باشه... با نرخ تورم فعلی (۴ برابر شدن دلار) میشه ۸۰۰ تومن الان!



ا.ز: بنده منظورم شروع کار با پایه حقوق بود... اونموقع پایه حقوق

اگاهه چون به کارش خیلی علاقه داره و برای هر چیزی وقت میزاره الان به جایی رسیده که حتی اگه من شیمی نساج توی چاپ به مشکل بخورم کمک میکنه و در ضمن تمام تغییرات ماشین های بافندگی برای طرح های جدید و... ولی باید بدونی یه مهندس خوب باید کار فنی رو هم خوب بلد باشه من الان در کارگاه خودم اگه مشکل فنی پیدا بشه مثلا در کار کامپکت از همسرم که مهندس مکانیکه کمک میگیرم ولی دوستم که شیمی نساجه و تو کارای فنی هم وارده به تنهایی از پس مشکلات کار برمیاد.



م.خ: ممنون خانم آ.ب از اطلاعاتتون ... اما در کل به نظر میرسه فارغ التحصیلی شیمی بهتر وارد بازار کار میشن تا تکنو...شما که خودتون توی کارخونه کار کردین نظرتون چیه؟



ا.ز: برادر من...هیچ رشته ای تو این دنیا پیدا نمی کنی که هیچ کاره باش!!! حتی کتابداری!!! یک مهندس شیمی نساجی از رسیدگی سر در نیما. یک مهندس تکنولوژی نساجی از رنگرزی سر در نیما. هر کدوم جای خودش برای خودش اتفاقا خیلی هم کار دارن!!!! حداقل من که اینجوریم.



م.م: خ جان الان ۱۲-۱۳ سال تو صنعت نساجی کار میکنم. تو قسمتهای مختلفی کار کردم. بیشتر دوستانم توی تولید کار میکنن. ولی من چون به کار فنی علاقه داشتم همیشه با فنی بودم. خوب شانس هم باهام بود و با یکی دو تا مهندس مکانیک (که البته خارج از کشور تحصیل کرده بودن) همکاری شدم و از شون چیزای زیادی یاد گرفتم. کار سختی بود به مدیرانم بقبولونم که من با دانسته های نساجیم بهتر میتونم در قسمت فنی باشم. خلاصه ش سختی زیاد کشیدم. الان ۸ ساله مدیر کارخونه ای هستم که خودم نصب و راه اندازی کردم و قبلش تو یکی از بزرگترین کارخانجات نساجی مدیر فنی سالن رسیدگی و تکسچره بودم. اینم بدون که تو این راه انتظار کمک، تشویق و انتظارات مالی اصلا نباید داشته باشی. من که هنوزم نمیتونم داشته باشم با این سابقه ای که بهت گفتم و الانم با تمام علاقه ای که به این رشته داشتم و دارم و زحمتی که براش کشیدم، در اولین فرصتی که برام فراهم بشه کلا از این صنعت میام بیرون. چون صاحبان صنایع ما متاسفانه به ما به چشم ابزار و ماشین آلات نگاه میکنن و حتی حاضر نیستن کوچکترین مقداری سر کیسه رو به قول معروف شل کنن. البته استثنا هم وجود داره. به هر حال این گوی و این میدان. اگه میخوای موفق بشی باید از همین الان هم کمرو سفت بندی هم همت عالی داشته باشی هم همیشه سعی کن یه پله از همه بالاتر باشی. برات آرزوی موفقیت میکنم



م.خ: ممنون آقای م.م شما رشتتون تکنو بوده دیگه؟! برای شیمی ها هم همین مسئله وجود داره؟؟



م.م: بله من تکنولوژی خوندم. شیمی هم فرقی نداره. بستگی به شانس و موقعیت هم داره. الان خیلیا تجربی رنگرزی بلدن از یه مهندس شیمی بهتر کار میکنن و بیشتر درآمد دارن. بین چیه واقعا علاقه داری. دنبال علاقه ت برو. من از رنگرزی متنفرم. خوب هیچ وقتم دنبالش نرفتم. یا مثلا از تولید اصلا خوشم نیما، الان با اینکه مدیر کارخونه هستم بازم تو تولید ضعف دارم. ولی عاشق اینم به دستگاه خراب رو درست کنم یا یه



۲۰۰ بود الان ۴۸۰. کسانی که از اول می خواهند شروع کنند با پایه حقوق باید شروع کنند این قانون کل دنیاست عزیزم و اما مسئله تورم و دلار بحث خاص خودش رو داره که فکر کنم در اینجا مناسب نیست در پستی دیگه اگر مایل بودید بنده در خدمت شما هستم.



ا.ص: در ضمن جسارتا چرخ تولید را همیشه فروش و توزیع راه انداخته. چیزی که الان خیلی ها ازش می نالند.



ا.ز: خواهش می کنم قربان اما نسل جدید مدیریت می گه: چرخ تولید رو کل عوامل سازمان راه اندازی می کنند. استراتژی مدیران-فرد آر دیوید.



ا.ص: اتفاقاً بدنیست همینجا بهش بپردازیم! تا این دوست جوان ما بتواند بهتر استراتژی خودش را مشخص کند:

همین ۴۸۰ تومن هم مال ابتدای سال بود بخواید واقعا آپدیتش کنید حداقل ماهی یک میلیون میشود. راستی شما اگر نتوانی بفروشد هزینه منابع انسانی و مواد اولیه را از کجا در می آوری؟



ا.ز: در ارتباط با نالش عزیزان در مورد فروش هم باید عرض کنم که وقتی تولید و سازمان بر اساس مشتری مداری نباشد و به سلیقه خودمان بدون در نظر گرفتن نیاز مشتری و خواسته اش تولید می نمایم باید به فروش فکر کنیم. اگر اینجوری نباشد و مشتری مدار باشیم دیگه نیازی به صرف وقت و هزینه بسیار زیاد بابت راضی کردن مشتری برای خرید و تلقین احساس نیاز برای آن نیست. این نسل پنجم بازاریابی در دنیاست. که البته مطمئنم شما بهتر از من می دونید و اما شرکت ما، ما بر اساس نیاز و خواسته مشتری تولید می کنیم و الان هم بازار خودمون را داریم و هم سفارش های تولید.



ا.ص: خب شما هم که داری میگی تا وقتی مشتری نباشه. تولید معنی نداره که!



ا.ز: آقا پس تفاهمه!!!



ا.ح: دوست عزیز مهندس مکانیک از کجا میتونه بفهمه نیدل انچ چیه؟ عمق سوزن چیه؟ ردای سوزن چیه؟ SBR چیه؟ بابا این چه حرفیه میزنی کارگر با سابقه هم که فقط یه مرحله رو حفظه مشکلات تخصصی رو نمیتونه حل کنه من شیمی نساجم تکنولوژی هیچ فرقی با شیمی نداره جفتشون عالین حالا اگه میخوای گرایش تو عوض کنی دلیلت اینی که گفتی نباشه چون هیچ جا بین یه مهندس نساج و یک مهندس مکانیک تو

کارخونه نساجی مکانیک رو به نساج ترجیح نمیدن تجربه اینو ثابت کرده و در مورد سوال دومتونم باید بگم هر گرایشی از نساجی هنر خاص خودشو داره و تو هر دوشون نقش مهم و اصلی با فکر آدمه و هنر فکر و خلاقیت آدمه که باعث موفقیت میشه.



ج.ن: دوست عزیز نگران نباش فرق چندانی بین گرایش های نساجی از نظر میزان کار نیست چیزی که مهمه علاقه است که به چه گرایشی داشته باشی در ضمن اینطوری نیست که کار یک تکنولوژی یک مهندس مکانیک بی تجربه انجام بده چون اونم نیاز به یکسری مفاهیم اولیه داره که مربوط به خصوصیات منسوجاته و ...



م.ب: خ جان سلام، نخیر اصلا هم اینطور نیست ... الان ۵ساله که تو صنعت نساجی دارم کار میکنم ندیدم کسی بتونه کار یه مهندس باسواد و بگیره ... پس سفت و محکم رشته تو ادامه بده و فقط به پاس کردن درسا اکتفا نکن ... یه مهندس نساج خوب تو یه کارخونه نساجی حرف اول رو میزنه ... خیالت راحت ... با آرزوی موفقیت برای تو و هم رشته ای های دیگه.



ر.ح: مهندس نساجی که کارش روی مهندس مکانیک یا یک کارگر با سابقه بخواد انجام بده، به خودش نباید مهندس نساج بگه. از کمیت و میزان کار، مهندس تکنولوژی بهتر است اما از لحاظ هنری و خلاقیت، شیمی مناسب تره. در ضمن نکته خیلی مهم اینه که یک شیمی نساج به شاخه بازار و فروشندگان نزدیکتر و در ارتباط بیشتری هست. اما شما از همین حالا زیاد نمبخواد به فکر بازار کار باشی، بیشتر روی استعداد و توانایی خودت تصمیم بگیر. موفق باشی، شما الان میدونید که بعد از ۴ یا ۶ سال وضعیت کاری کنوم گرایش بهتر و مناسبتره؟ در حال حاضر هم، سه گرایش شرایط یکسانی از لحاظ بازار کار دارن. اگر شخصی هم به رشته اش علاقه نداشته باشه دقیقاً میشه همون مهندسی که ی مهندس مکانیک یا کارگر با سابقه میتونه کارش رو انجام بده.



ا.ح: والا ماکه تا فارغ التحصیل شدیم و کار خدمتون معلوم شد سریع رفتیم سر کار دقیقاً هم کارم مربوط به رشته خودم و نساجی بود حالا دیگه باقی چه فکری میکنن خود دانید اصلاً آقا کار نداره نخونید به نفع ما وقتی متخصص کمتر باشه قیمت ما هم بالاتر حالا یه مهندس مکانیک یا کارگر با سابقه بیارن ببینم میتونن اندازه ماها تولید بگیرن.



پ.ز: اگه بخوایم می تونیم کار پیدا کنیم. باید اولش سختی زیاد رو تحمل کنیم. منم خیلی راحت کار پیدا کردم و تونستم خودم رو بکشم بالا و سال اول کار مدیر تولید شدم. بخوایم همیشه ..



ع.آ: با آقای ی تلفنی صحبت می کردم. یه چیز مشترک تو نظرمون بود: اینکه آقای ج.ب. برای خیلی ها، به خصوص بسیاری از مهندسین موفق الان، موثر بوده.

اما الان که از سمت های رسمیش کناره رفته، داره زود فراموشی میشه.

ایشون آدم بسیار خاص و ویژه ای هست. البته خدا رو شکر بسیار هم از نظر مالی وضعیتش خوبه و محتاج هیچ کس نیست. اما شاید افرادی که ایشون در موفقیت های شغلیشون، مفید و موثر بوده، جایزه که باهم جمع بشن و یه بزرگداشت حتی مختصر براش بگیرن. به ویژه مهندسینی که

جای پای آقای جمشید بصیری در زندگیشون هست و می دونن که وجود ایشون بر ایشون بسیار اثر داشته. شاید بهتره که اول افرادی که احساس می کنن که مدیون مهندس بصیری هستن، باهم جمع شن و یه گروه رو تشکیل بدن و بعد ببینن که چه کار می تون بکنن تا مهندس بصیری رو سورپرایز بکنن. البته هر فردی، هم ایراداتی داره و هم خوبی ها. اما حسنات ایشون بسیار ویژه است. راجع به این موضوع لطفاً نظر بدین

م.ج: همکارهای محترم، یک پارچه بی بافت ۱۰۰٪ کتان لازم دارم که برای استفاده در جراحی به کار میره، این پارچه باید جذب آب بالائی داشته باشه، قابلیت دوخت داشته باشه، در اثر کشش مقاوم باشه و پاره نشه، سفیدگری شده باشه، نباید ریش ریش بشه و پرز بده، در دمای متوسط به بالا مقاوم باشه که به احتمال زیاد بصورت رول فروخته میشه اگر کسی از دوستان میدونه که این پارچه رو از کجا میشه تهیه کرد، متشکر میشم اگر محبت کنید و معرفی بفرمایید.

nikoogroup.com/contact%20us.aspx از این لینک

اطلاعات مربوط به شرکت ابهریس از گروه نیکو را می توانید پیدا کنید.

ش.ک: احتمالاً در رابطه با خصوصیات نظیر پرزدهی و ریش ریش شدن نه تنها با الیاف پنبه بلکه با تمام الیاف طبیعی و استیپل به مشکل برخورد می کنید.

ا.ب: این پارچه لایه اسپان لیس از پنبه سفید گری شده با گرمای بین ۷۰ تا ۱۱۰ گرم می باشد (مخلوط پنبه - ویسکوز هم میتواند مورد استفاده قرار بگیرد). فعلاً تنها گروه نیکو خط اسپان لیس فعال دارند که بعضی وقتها پنبه هم کار می کنند. اما از نظر استحکام و خواص مربوط به آن کیفیت مطلوبی برای این کاربرد ندارد. <http://www>

چهارمین جلسه از مجموعه نشست‌های کلوب نساجی، امروز (۲۲ فروردین ۱۳۹۲) در محل دفتر نساجی امروز برگزار شد و طبق برنامه دوستان با ارائه دیدگاهها و نظرات خود، به تبادل نظر با یکدیگر پرداختند و پس از آن طبق برنامه ادامه مجموعه مباحث مدیریت بازاریابی مطرح شد و قرار شد برای بازدید از یکی از واحدهای نساجی در پنجشنبه و یا جمعه دوهفته بعد از دوستان در کلوب نظرخواهی شود. همچنین قرار شد از مدیران ارشد، میانی و کارآفرینان و نیز مهندسی و متخصصین مجرب و علاقمند (به فراخور موضوعات) نیز برای جلسات دعوت بعمل آید. ضمناً مجدداً از دوستانی که علاقمند به طرح تجربیات و دیدگاهها و دانش تخصصی خود در جلسات آتی می باشند دعوت میگردد که با جناب آقای میرزاپور هماهنگی بعمل آورند و همچنین دوستانی که ایده، پروژه و یا طرح تجاری مناسبی داشته باشند میتوانند موضوع را مطرح نمایند تا جهت حمایت و کاربردی نمودن آن، از مدیران و واحدهای مرتبط جهت جلسه مذکور دعوت بعمل آید. زمان جلسه بعدی کلوب و نیز دستور جلسه آن متعاقباً اعلام خواهد شد علاقمندانی که متقاضی ارسال دعوت نامه و اطلاع رسانی از طریق پیام کوتاه می باشند نام و نام خانوادگی خود را به سامانه پیام کوتاه نساجی امروز (۰۹۱۳۳۰۵۳۵۳۹) ارسال فرمایند.

نداشته اند نیز می توانند متوجه قضیه بشوند..... البته این فقط یک نظر بود.

پ.ز: مقایسه دو پارچه ایرانی بود با ۲ نخ متفاوت، یکی از پارچه ها اسپان دیگری پلی استروویسکوز خوب معلومه که قیمت اسپان پایین است، به چندین دلیل: کیفیت، زبردست، مدت زمان رنگرزی، نداشتن ویسکوز...

ر.و: با اینکه اولین باری بود که شرکت می کردم به نظرم جو خیلی دوستانه و صمیمی بود هر کس نظرشو به راحتی بیان می کرد واقعا این جمع ها لازمه امیدوارم همیشه پایدار باشه و موفق

م.ا: منم اولین باری بود که شرکت کردم. به نظرم این جلسات میتونه به بستر مناسب برا حل مسائل خیلی از دوستان باشه... امیدوارم که تلاوم داشته باشه ... ممنون از دوستانی که در این راستا زحمت میکشن.

ش.الف: چند تا موضوع خوب تو این جلسه آخری مطرح شد که خیلی میتونه جالب توجه باشه که مهمترین آنها همین موضوعی بود که آقای م.ب مطرح کرد در ارتباط با اختلاف قیمت اون دونمونه پارچه من قبلاً هم به موارد اینچنینی برخورد کرده بودم که چگونه چینی ها با بکارگیری تخصص نساجها در این زمینه کالاهایی مشابه با قیمت ارزانتر تولید می کنند ممنون می شم اگر دوستان موارد مشابهی دارند در جلسات بعدی بیشتر راجع بهش صحبت بشه.

م.ق: در مورد مقایسه دو نمونه پارچه چینی و ایرانی. آیا دستمزد کارگران در کارخانجات نساجی چین با ایران مشابه است؟ (اگر همه پارامترهای دیگر از جمله نخ، دستگاههای بافندگی، بافت و تکمیل و... دقیقاً یکی بوده و قیمتها با هم متفاوت بوده باشد) در مورد صحبتهایی که در نشست ها صورت می گیرد و ادامه آن مباحث در کلوب مطرح می شود اگر موضوع به طور کامل در کلوب مطرح شود افرادی که در نشستها حضور



پ.د: کارخانه «وطن» اولین بود. شاید بتوان گفت در سراسر ایران، بیش از آن ایرانیان یکی دو تجربه ناموفق در زمینه صنعت داشتند. آهن پاره‌های کارخانه نساجی صنایع الدوله در اطراف تهران و نیز چند کارخانه کوچک دیگر به هر ایرانی می‌فهماند که به سراغ صنعت نرود که مال ایرانی نیست!! ولی کارخانه وطن در اصفهان با موفقیت شروع به کار کرد.

همین باعث افزایش هزینه‌های تعمیر و نگهداری و تامین قطعات و تفاوت در کیفیت محصول تولیدی شده و از طرف دیگر بیشتر ماشین آلات عمر مفید خود را کرده اند اما به نظر من با توجه به تجربه رئیس جدید کارخانه می‌شه بهش امید بست. البته اگر بگذارند کارش را انجام دهد.

م.آ: وقتی شخصی مثل مهندس م، ریاست کارخانه را بعهده بگیره مطمئن باشی هنوز قلبش می‌زنه و تولید در کارخانه جریان دارد. مشکل تمام کارخانه‌های قدیمی ما بیشتر تعدد تصمیم‌گیری مدیران هست توی وطن هر قسمتش یک ماشین از یک کمپانی وجود دارد و

م.ق: سلام به همه دوستان نساج. بعد ۸ ماه کار تو کارخونه نساجی تازه فهمیدم چرا نساجی تو این مملکت به جایی نرسیده، بهتره نگم نساجی، بگم صنعت..... بهترین کار درس خوندن هست... پس پیش به سوی درس...

در رابطه به کارتون بوده؟ چون این راهیه که همه ما رفتیم درسته که تحصیلات مرتبط کافی نبوده اما حداقل ادم رو به بیراهه نمیکشونه. ثانیاً مهندسای شاغل ماقبل شما تو اون واحد هم به این نتیجه رسیدن؟ یا...

و.ع: آقا اگه میخوای دوباره توی نساجی ادامه تحصیل بدی که مرتکب اشتباهی بسیار بزرگتر خواهی شد! از ما گفتن بود!

م.ق: اولاً ممنون از همه دوستان که تو این بحث به من کمک میکنند و نظراتشون رو اعلام میکنن، در جواب دوستان بگم که این کارخونه درحال راهاندازی بوده و من نیز جزو اولین نساج‌هایی بودم که در این کارخانه شروع بکار کردم و مهندس صنعتی بودم. ۷ ماه در این کارخانه فعالیت داشتم و به دلیل مدیریت بد و ناکارآمد ازین کارخانه بیرون آمدم. حدود ۱ ماه هم به عنوان سرشیفتی در یک کارخانه دیگر مشغول شدم. من بحثم رو به ۲ قسمت تقسیم میکنم؛ ۱ اینکه فارغ‌التحصیل‌های نساجی معمولاً بعنوان سرشیفت استخدام میشوند و معمولاً هیچکدام بعنوان مهندس بکارگرفته نمی‌شوند و اینکه سرشیفتی یک کار تکراری و کسل‌کننده هست که حداقل با روحیه خودم سازگار نیس... ۲ تو مملکت ما به مشکل خیلی مهم دیکه هم وجود داره که پولدارهای ما اکثراً کم سواد هستند و فقط جلوی پای خودشون رو نگاه میکنند...

ش.ر: همه رشته‌ها همین‌انه با درس خوندن به جایی می‌رسی نه با کار کردن.

م.ب: دوستان راه کسب درآمد و میشه به ما هم بگید اینا که همش یأس و ناامیدی بود.

س.س: اینکه چرا به جایی نرسیده رو همون ظرف ۱ هفته اول میشه فهمید... در عجبم از اینکه ۸ ماه رو چرا هدر دادید!!!...

م.ب: الان اوضاع نساجی بد نیست روبه‌رشته متأسفانه شما شاید جایی مشغول به کار شدید که اصولی کار نمیکردن... (میشه فهمیده هاتو در اختیار ماهم بذاری؟)!!!

ش.ا: قبول ندارم که پولدارها فقط جلوی پای خودشون رو می‌بینن.

ش.ا: مهندس جان من هم با دوستان هم عقیده هستیم... فکر می‌کنم باید اول بفرمایین چی دستگیرتون شده تو این ۸ ماه... بعدش هم اگر واقعا به این جمع بندی رسیدی که درسی که خوندی اونجا کاربرد نداره پس چرا دوباره میخوای بری دنبال درس خوندن؟ اگر هم استاد دانشگاهی رو میخوای برای شغل آینده ات انتخاب کنی فکر نمی‌کنی یه مقدار سوال برانگیزه که خودت انگیزه و اعتقادی به این صنعت نداشته باشی اما دنبال تربیت نیروی انسانی برای صنعت باشی؟ بیخشین ها جسارت کردم میخوام به کم موضوع بحث رو شفاف تر کنیم...

خب من بلحاظ نوع کاری که دارم با خیلی از مدیران و کارآفرینان و سرمایه‌گذاران نساج و غیرنساج ارتباط دارم و بی‌انصافی است اگر خوشفکری و آینده‌نگری و بقیه ابزارهای مدیریتی از جمله دانش و تکنولوژی و ... رو در موفقیت‌های ایشان نادیده بگیریم... بهر حال فرق تولیدکننده و صنعتگر با حجره دار بازاری در همین نکته هاست...

م.ق: تجربه‌هایی که کسب کردم بیشتر تو زمینه‌های بالانس خط، سفارش‌ها، افراد مرتبط با صنعت نساجی، تجار و قطعه‌سازان، کار با کارگران و مدیران بوده...

م.ب: جسارتاً در تکمیل فرمایشات آقای مهندس ش.ا میخوام بیرسم اولاً تو دانشگاه چی خونیدی که بدردتون نخورده ایا تحصیلاتتون



در جواب سوال اینکه چرا میخوام درس بخونم... تو این مدت که تو ۲ تا کارخونه کار میکردم، همیشه افرادی که با کت و شلوار میومدن و همون حرفای مارو میزدن بیشتر طرفدار داشتن تا افرادی مته من که همش با لباس کار میگشتیم تا مته بقیه باشیم... درس خوندن و مدرک باعث میشه تا یکم این قضیه بهتر بشه..

آقای مهندس، نارضایتی من ازین بوده که برای یک مهندس واقعا درست نیس که به عنوان سرشیفته فعالیت کنه، کاری که یک نفر دیپلم که فقط یک هیكل بزرگ داشته باشه نیز می تواند انجام دهد... ازینکه تجربه بسیار مفیدی کسب کردم خیلی راضیم..



م.ب: خب مهندس این تجربه کمی نیست... مهندس همه از صفر شروع میکنن وهشت ماه واسه نتیجه کار رو گرفتن بسیار کمه... باید وایمیستادی و خودتو و علمتو ثابت میکردی.



و.ا: با این حرفت موافقم که همیشه حرف غریبه هائی خریدار داره که حتی شاید سواد و تجربه شون از مائی که توی کارخونه گرد و خاک می خوریم و همه چیز رو تجربه کردیم و عملا به یک تجربه ای رسیدیم کمتره. مدیران کارخانجات ما همه و همه غریبه گراند. امیدوارم به مدیرانی که توی این کلپند بر نخوره. چون واقعیته است که بنده بعنوان یک با تجربه ۱۵ ساله بهش رسیدم.



ش.ا: همه مهندس های شغل اولی شما تازه وارد بودن/!

اینکه می گی ضعف مدیریت دقیقا منظورت چیست؟
شما در مهندسی صنعتی دقیقا چه کاری انجام میدادی؟
گرایش تحصیلی شما چی بوده و تجربه کاری قبلی داشتی؟
کارخونه تازه استارت خورده بوده یا از این کارخانجات تعطیل شده بوده؟
کارخونه الان فعاله یا تعطیله؟
چند تا مهندس نساج اونجا بودن؟ تجربه اونها چطور بوده؟
بخش فروش و بازاربایش موفق بوده؟
شما که تو مهندسی صنعتی بودی و این همه ارتباط و تجربه کسب کردی پس چرا ناراضی ایی؟



م.ق: به عذرخواهی هم به دوستان بدهکارم که باعث شدم ناامید بشن ولی فقط خواستم نظر شخصی و ۸ماهه خودمو به بقیه دوستان هم اعلام کنم و بگم که اگه با فکر و دقت به این رشته وارد نشین خیلی به خودتون ظلم کردین.
ولی هدف اصلی خودم از درس خوندن اصلا این چیزای معمولی و ثه ریسندگی و بافندگی نیس، دوس دارم تو زمینه های جدید کار کنم و بیشتر برم تو فاز مقاله و پژوهش... سعی میکنم افرادی که آموزش می دهم نیز در زمینه های فعالیت خودم کار کنند.



پ.ز: دوستان من به یه موضوع جالبی برخورددم... همه ناراحت هستند از بیکاری و کار نبودن.. اما من یه اگهی برای کار توی کلپ دادم... شاید ۱۰ نفر هم نبودند... از طرفی همه ۳ تا سوال کردند: تهران؟ ساعت کاری؟ حقوق؟
واسه همینکه که کار پیدا نمیشه مگه چندتا کارخونه تا ۴ کار میکنه اونم تهران؟!
اگه واقعا دنبال کار هستیم یک مقدار از توقع کم کنیم!! و کمی سختی تحمل کنیم...



پ.ز: پس من انگار ادم نبودم شهریار ساعت ۸ تا ۷ کار میکردم!!
من مهندس توهینی به مهندسان نشه. تا لقب مهندسی میاد تصور از این میشه که دیگه نباید دست به سیاه و سفید زد...



و.ه: اول باید سختی کشید بعد راحتی بدست آورد.



ن.ت: از یه مهندس نساج می پرسی دنیر چیه؟ نمی دونه از فوق لیسانس شیمی می پرسی ویسکوزیته چیه؟ نمی دونه، از لیسانس حسابداری می پرسی سرمایه رو تعریف کنه؟ نمی دونه اونوقت تا دلت بخواد ادعا.



م.ب: بسیار بسیار موافقم ... کار زیاده ولی آدمش کمه...



م.ب: جمع همه مهندسای عصبانی جمعه ... دوستان همه شما حق دارید ما روزای سخت، طاقت فرسا، شرایط کاری دشوار و دریافتی های پایینی رو تجربه کردیم، اما وقتی یه مهندس فارغ التحصیل میشه دارای سن سال بالایی نیست و در نتیجه تجربه ارزشمند شما رو هم نداره که اگر داشت چه بسا تا ۱۰ شب هم کار میکرد پس صبور باشید و همینطور عالی و خوب تجربیاتتون رو در اختیار بچه ها قرار بدید و بهشون بگید که

روزی پر چالشی رو در پیش دارن. ضمنا از مهندس پ.ز که بسیار دلسوزانه دارن تجربیاتشون رو در اختیار ماها قرار میدن هم تشکر میکنم و میخوام همچنان جمع کلپ رو یاری بدن.



ع.ا: چرا خودتون رو گول می زنین، کار هست، اما در شان خیلی ها نیست. اینکه من نوعی برم ۶ ماه یه جا با حقوق پایه کار کنم، موردی نداره که خود من نیز از این کارها زیاد کردم. اما بعدش چی... اینجا کاش جنگل بود و از قانون جنگل هم بهره ای داشت.



پ.ز: مرسی آقای مهندس م.ب، من که تجربه چندانی ندارم اما دوست دارم یکم مفید باشم، اما وقتی میبینم دوستان نمی خواهند منم دلسرد شدم.



م.ب: تو یه کارخونه به عینه دیدم که یه فنی ساده (با مدرک سیکل) یه مهندس نساجی رو سر کار گذاشته بود و یه ساعتی دنبال شیر فلکه ته رینگ میگشت تازه از دانشگاه اومه بود و ادعاشم کم نبود ولی خب، خوب نیست اینطور یه مهندس رو بیچونن... این مهندس خودش باید بدونه حقوق آنچنانی (مهندسی) حقش نیست!!!!



ز تو این صنعت، به مهندس نساج مثل آدم های هر جایی نگاه میشه، کارفرماها هر وقت احساس نیاز پیدا می کنند، طرفشون میان و بعدش خداحافظ.



پ.ز: چرا راه دور میرین من خودم وقتی استخدام شدم نمیتونستم پارچه پنبه رو از پلی استر تشخیص بدهم، خوب معلومه حقوق کم و راه دور رو قبول کردم... همینکه استخدامم کردن خدارو شکر...



م.ب: به قول آقای دکتر ص، دوستان باید تا ۳۰ سالگی پول را فراموش و فقط پی تجربه باشن که اکثر بچه های موفق همین روش رو پیاده کردن.



پ.ز: جناب مهندس ع. آ توی همه صنعت ها این هست... تا نیاز هست کارفرما ها افراد رو نیاز دارند چه کارگر چه مهندس...



م.ب: خدا را شکر داره صنعتمون جون میگیره... من الان دارم با به گروه سوئیسی و پاکستانی کار میکنم اینا آینده نساجی ایران رو خیلی خیلی روشن میبینن (خودتون بهتر میدونین این خارجی ها خیلی رک حرف میزنن). پس بجای مدرک و حقوق بهتر نیست به چیزای دیگه ایی تو نساجی پرداخته بشه؟؟؟



ع.آ: کار با شغل دو تا مفهوم کاملا متفاوته. من به عنوان کارفرما بسیار استخدام کردم و با فاکتورهای استخدام و اخراج آشنا هستم، مسئله اینه که ارزش های فرهنگی توی صنعت نساجی نیز آشفته شده مثل بقیه جاهای جامعه.

یعنی کرامتی که تولید کننده قبل از انقلاب داشت با ظهور انجمن های اسلامی و کارگری از بین رفت و همه کارفرما رو عامل طاغوت و... دانستند قانون کار اومد و برای بالانس قدرت به اختیاراتی رو به کارفرما داد که اونا هم تا نخواستند، سواستفاده کردند قراردادهای یک ماهه برای افراد و اینکه آدم ها رو آخرین اولویت سرمایه گذاری تعریف کردند به تقابل مستخره که به ضرر هر دو شد هم کارگر و هم کارفرما از خودشون بپرسید امروز رو نگاه نکن که دلار ۴۰۰۰ تومان شده تولید باید بتونه با دلار ۷ تومنی رقابت کنه.



م.ب: مهندس ع. آ عزیز البته که حق با شماست و ظلم های زیادی در این خصوص صورت گرفته و کارفرماهای ما زمانی که کارشون راه افتاد و دیدن که میتونن با هزینه کمتر شرایط رو اداره کنن با تکنیک حذف نیرو وارد عمل میشن بدون توجه به اینکه مهندسی که تونسته اوضاع رو سر و سامان بده حتما در آینده تزی های موثر و مفیدی میده. اما بحث فعلی در خصوص دوستان جوان تازه فارغ التحصیل شده است.



ع.آ: ما باید شرایط رو با قدرتمون به نحوی فراهم کنیم تا جوونا با عزت بیشتری وارد کار بشن. مسئله کارآزوی اصلا موردی نیست، هر کسی از ما می تونه حداقل ۱ نفر رو کمک کنه تا پاش به به کارخونه باز بشه، بنده هم وقتی به حرفی میزنم قاعدتا با تمام کارفرماها نیستیم، بلکه با بیشتر اونا هستیم، ضمنا اگر خواستی بگو تا چندین کارخونه را به شما اسم

ببرم که قراردادهای بسیار کوتاه مدت دارن

ضمنا من با دست خالی تو این ۷ سالی که کار می کنم نزدیک ۱۰۰ نفر رو مشغول به کار کردم. قبلا هم اینو گفتم، فقط مثاله نه منت



ف.ص: سلام دوستان، این موضوع همیشه یکی از دغدغه هام بوده و هست، من کاملا با نظر دوستانی که میگن اول کار رو باید با حداقل ها کار کرد قبول دارم، راستش من وقتی فارغ التحصیل شدم قرار شد برم اداره استاندارد با معرفی البته! ولی متاسفانه یا خوشبختانه مدیریت تغییر کرد و نشد که برم ۶ ماه کارم شده بود روزنامه گرفتن و سپردن، تا اینکه تصمیم گرفتم برم قزوین و کارخونه هایی رو که فکر میکردم ممکنه نیروی کار بگیرن رو سر زدم، و بکروزه کار پیدا کردم البته با حقوق کم اجاره خونم تو قزوین بیشتر از حقوقم بود اما با یکی از دوستانم هزینه ها رو تقسیم کردیم و شروع کردیم به کار.

موضوع دیگه ای که دوستان راجع بهش گفتن در مورد ادامه تحصیل بود، من نظرم اینه که حتما حتما قبل از ادامه تحصیل باید تجربه کاری و تولید رو داشته باشیم... تا بتونیم به تحصیل کرده واقعی باشیم و گرنه میشیم اطلاعات محض و اونم به هیچ دردی نمیخوره.



س.س: به مهندس کاربلد با مندرس ترین لباسها وسط به جمع صدنفره کارگر و کسایی که ادعای کاربلدی دارن مثل ستاره تو شب تار میدرخشه. اینکه شما ۲۰ سال درس خونده باشی یا بیشتر اهمیتی نداره مهم اینه که میتونی دردی رو تو این صنعت دوا کنی و زخمی رو شفا بدی یا نه؟ کسی که چشمش فقط با درخشش سکه ها میدرخشه و به خودی خودش درخششی نداره پشت اون چشم ها چیزی نداره که باعث بشه خودش بدرخشه....



ه.ا: هر درخششی بها داره، بعضی ها از درخشش سواستفاده میکنن و صرف نیاز اون مهندس درخشش رو مفت می خرن.



م.ج: من نگفتم مهندس باید خوش تیپ باشه و یا اینکه وسط کارگرا بدرخشه ولی مدیر یا صاحب کارخونه باید درک و فهم اینو داشته باشه که مهندس میتونه دردی از کارخونش دوا کنه (متاسفانه شما که مهندسی گویا اینو متوجه نیستی، چه توقعی از مدیر یا سرمایه دار میشه داشت! در ضمن من افتخار میکنم که برای درآمد بیشتر کار کنم و آسایش و امنیت مالی برای فرزندم به ارث بزارم به جای ۱۰۰ کیلو شعار توخالی و پوچ که هیچکس بهش پایبند نیست، شما برای خودت تصمیم بگیر.



س.س: اه با این صحبت شما موافقم. اما قبول کنید که صرف اینکه از دانشگاه فارغ التحصیل بشیم و احساس مهندسی بکنیم خنده داره. اینکه عار داشته باشیم از خیلی کارها خنده داره. من خیلی اوقات کارهایی رو کرده ام که شاید در حد کار به آدم زیر دیپلم بوده اما اونچه که یادگرفته ام خیلی فراتر از این بوده که بتونم توصیفش کنم. حرف من اینه که اینکه بشینیم بگیم ما تحصیل کرده ایم و سایرین باید خم و راست شن غلطه... باید تلاش کرد و تلاش کرد و تلاش کرد و به این اکتفا نکرد که بشینیم تا حق مارو بدن.



م.ج: وقتی خودمون برای توانایی هامون ارزش قائل نیستیم از دیگران نمیشه توقع داشت.



به طور اتفاقی موفقیتی کسب نکرده باشه میره به سمت جایی که قدرش رو بیشتر بدونن. منظور بحث من در رابطه با افراد تازه فارغ التحصیل هست.



ر.ا: این واقعاً یه درده. من هم بارها دنبال مهندس بودم برای جاهای مختلف ولی کو اهل کار؟ متأسفانه هنوز فارغ التحصیل نشدن و هنوز فرق روتور و عینکی رو نمی دونن ادعای حقوق و مزایای کنن برخی دوستان؟ کار ریخته است ولی اهل کار خیلی کم اند. همه ی این ناله های داداز بیکاری و نبود کار و... همش اشک تمساح است و بس.



س.س: اه منو آقای و دوره شناختمون رو دوتایی تو ... گذروندیم و باهم کارمون رو شروع کردیم البته ایشون به مدت دیرتر از من رسماً مشغول به کار شدن اما خب مدت زیادی تو ... نمونن چون عقایدشون با شما یکی بود و اینکه حق به مهندس خیلی بیشتر هست و از اینجا رفتن به جایی که حقوق بیشتری بگیرن. ماز یاد باهم بحثمون میشد!!!!

در رابطه با ارزش کارگر و مهندس ... در صنعت ارزش با سودآوری محاسبه میشه و یه مهندس تا زمانی که سطح اطلاعات صنعتیش به حد اون کارگر نرسیده ارزش پاینتری داره. چون فقط هزینه ایجاد میکنه و سودآور نیست توی دانشگاه سطح ارزش با میزان معلومات و نمرات محاسبه میشه و در اونجا مهندس ارزشمندتره.



ا.ا: آقای و الان جایی هستن که بهشون بها داده می شه و ایشون هم ابتکارات بسیار زیبایی هم بوجود آوردن، همین آقای و تو ۳ ماه اول که به ... اومده بودن هزینه ساز بودن یا سود آور؟ مشخصاً وقتی بهای لازم به آدم داده بشه طرف هم با تمرکز روی کارش باعث سودآوری میشه اما دوستان به این موضوع بی توجهن و به یه یک مهندس مته به کارگر نگاه میکنن شاید تو خودتون نمی بینن و شاید شرایط این طرز تفکر رو بهشون تلقین کرده.



ع.ا: آدمهای بزرگ رو از تعداد دشمنانشون همیشه شناخت. نه از تعداد دوستان



ح.ف: باسلام من خیلی دوست دارم در زمینه نساجی کار کنم و مهمترین چیز برای من رشد صنعت نساجی است به خدا شعار ننمید سابقه ۷ ساله دارم اگر امکانش هست که بتونم کار کنم به من اطلاع بدهید.



م.ب: ولی اون کارگر فقط توانون رشته کاری مهارت داره ولی یه مهندس درد بالادستی وپایین دستی رو بخوبی میدونه واین اهمیت وجود یه مهندس...



س.س: حرف ما به یه مهندس نساجی در بازاریابی با اطلاعات خوب در زمینه صنایع پایین دستی نخ پلی استری احتیاج داریم. منظورم اطلاعات سطحی نیست. شناخت پارچه، فرش، پرده، ... و یک سری مسائل دیگه ... خوشحال میشم مسیج بدید بیشتر صحبت کنیم. البته بسیار مهمه که تابع زمان و مکان نباشه.



ع.آ: س.س درباره این شخصی که میخوانین. اگه خواستین یه ایمیل بدین تا من اطلاعاتمو براتون بفرستم و اینکه معنی این جمله چیه: تابع زمان و مکان نباشه؟



س.س: م.ج قبول دارم که آدم نباید خودش رو دست کم بگیره. اما وقتی ما درس خوندم میتونیم تو زمینه درس ادعا کنیم ولی وقتی داریم وارد صنعت میشیم تو اون حیطه مبتدی هستیم و یادگیرنده.



ا.ا: حرفه من اینه به همون اندازه که ارزش داره کارمون بایستی ارزش قائل بشن، سرمایه گذارها به اشتباه و با نگاه کوتاه مدت حقوق هایی رو در نظر میگیرن که شرم آوره بیان کردنش.



س.س: اه سرمایه گذارها هم مشکلات خودشون رو دارن .. مشکلاتی که تا خودتون تولیدکننده نباشید تصوری ازش ندارید. صنعت نساجی ما مشکلات طاقت فرسایی رو داره تحمل میکنه و کسی که در این شرایط تولید میکنه (درحالیکه میتونه خیلی کارهای دیگه بکنه که راحت تر پول در بياره) شایسته احترامه و من شخصا بهش احترام میدارم.



م.ج: س.س اگر اینطوری باشه پس اون درسی که خوندم واسه چی بود؟ میشد از اول با دیپلم بریم شاغل بشیم و با به دست آوردن تجربه شغلمونو تثبیت کنیم... بین یک مهندس بی تجربه و مهندس با تجربه بله البته تفاوت حقوق قابل قبوله ولی بین مهندس بی تجربه و کارگر چی؟ تازه هر خرابکاری که بشه میندازن سر مهندس که تجربه نداشته. در واقع از ما میخوان با حقوق کارگری و فشار کاری و توانایی یه مهندس کار کنیم!



ا.ا: مثال بیارم، تو یه کارخونه یه منهدسی با یک ابتکار در مصرف ریتارد صرفه جویی حدود ۱۲۰ میلیون در سال نصیب کارخونه دارش میکنه اما برای اون مهندس هیچ گونه پاداش یا افزایش حقوقی در نظر گرفته نمیشه، این چیزی بود که خودم به عینه دیدیم، من حرفم این نابخردی سرمایه گذارهاست و این گونه رفتارهاست که باعث رکود نساجی کشور میشه



س.س: م.ج خب این بحث جداسه. اینکه برای چی درس خوندم. درسی که خوندم و مهندس شدن به ما قدرت تحلیل داده مغز مارو رشد داده و بزرگتر کرده، این توانایی رو به ما داده که مشکلات رو ریشه ای تر درک کنیم و سریعتر یاد بگیریم و تو چاه نیفتیم و توانایی بالقوه لیدر شدن رو داشته باشیم (اما این توانایی بالقوه است و بالفعل نیست) بخاطر همین وقتی ما اشتباه کنیم متهمیم چون ادعای دونستن داریم ادعای قدرت تشخیص اما اون کارگر فقط یه بازوی اجراست ... ما درس خوندم و این درس به ما این قدرت رو میده که مهندس بشیم نه بیشتر! ولی اون کارگر پایه لیدر شدن رو نداره برای همین هیچوقت لیدر خوبی نمیشه.



ا.ا: پس باید بین مهندس و کارگر تفاوت باشه، قبول دارین؟



س.س: اه خب! این مبحث هم فرق میکنه با حقوق. قدرشناسی! یه نظامی هست به نام نظام پیشنهادات که ما تو کارخونمون داریم. همه کارمندها میتونن پیشنهاد بدن تو هرزمینه ای وقتی اجرا بشه و منجر به صرفه جویی بشه درصدی از صرفه جویی پاداش اون شخص هست و بیشترین صرفه جویی خودرو جایزه میگرفت که از امسال تبدیل به آپارتمان شد. فردی که سودآوری داشته باشه تو یه سازمان اگر فرد قوی ای باشه و



میخواهم عرض کنم در برخی کشورها دوره کارشناسی نساجی ۵ سال و تمام این ۵ سال دروس مختص به یک بخش از این صنعت بزرگ و میخونن و بعد از فارغ التحصیلی متخصص در اون بخش میشن مثلا متخصص ریسندگی یا بافندگی و یا ... اما در ایران علاوه بر این که این دوره ۴ ساله و از همه بخشها به صورت مقدماتی تدریس میشه دروس غیر مرتبط نیز فراوان داریم که همه از بنده حقیر بیشتر میدونن که این درسا بدرد زندگیه حرفه ی و غیر حرفه ای ما نمیکورن.

مخلص کلام تمام اطلاعات ما در هر بخش ختم به ۱ یا ۲ کتاب میشه که هر ادم با سوادی تو کمترین زمان ممکن میتونه اونو بخونه و در اون استاد بشه چه برسه به کارگران زحمتکش مستقر در خط تولید که با زیر و بم دستگاهی که سالها باهاش کار کردن و اطلاعات بالایی نسبت به مهندسای تازه فارغ التحصیل شده ما دارن و این غیر قابل انکاره.

پس دوستان عزیز دانشجو یا تازه فارغ التحصیل شده، توقع نداشته باشید به عنوان یک تازه وارد مهمترین بخشهای کارخانه تحت فرماندهی شما قرار گیرد. باید توانایی هایی بیش از پرسنل شاغل در اون بخش ارائه دهید تا صاحبان صنعت رفته رفته به شما ایمان بیاورند و جایگاه نسبتا از دست رفته مهندسای نساج در کارخانجات روز به روز ارتقاء یابد.

برادر کوچکتونو به خاطر این پر حرفی ببخشید.



م.ب.: البته بعضی از بچه ها از همون کار آموزی ساده هم فراری بودن البته که خود منم از این قاعده مستثنی نبودم به هر حال شرایط سنی اون موقع بوده.



م.ق: ولی مطمئنم اگر محیط کارخونه خوب باشه و همه با جون و دل تجربیاتشون رو براتون توضیح بدن فراری نمیشین :-)))) به هر حال تو این رشته اومده بودیم که درس بخونیم دیگه.....



م.ب.: به هر حال در دوره ای به سر میبریم که هر کارفرمایی به فکر سود بیشتر و بقاء در بازار میباشد و هر کاری که در این سمت و سو باشد را انجام میدهند و مهندسین بالاخره مجبورند وارد همین بازار کار شوند و گریزی نیست. پس دیر یا زود خسته خواهند شد. مگر هدفمند وارد این بازار کار شوند.



س.س: توی صنعت نساجی دقیقا همین مسئله دوست داشتی هست ... اینکه دقیقا مثل زندگی هست اگه ندونی چیکار داری میکنی شکست میخوری.



م.ق: یادمه زمانی که ما وارد دانشگاه شدیم به طرحی گذاشتن که بچه های نساجی و صنایع از همون ترم ۲ برن تو کارخونه ها و از نزدیک با دستگاهها آشنا بشن و خودشون با دستگاهها کار کنن..... یه ۷-۸ ماهی هم این طرح اجرا شد و خیلی هم خوب بود چون وقتی سر کلاس برامون توضیح میدادن قبلش تو کارخونه از نزدیک با اون موضوع کاملا آشنا شده بودیم.... قرار بود بعد از ۴ سال تحصیلی یه مدرک هم بدن که مهندسای فارغ التحصیل ۴ سال سابقه کاری هم داشته باشن..... نمیدونم چرا این طرح رو برداشتن ولی واقعا اگه باز اجراش کنن این مشکلات کاملا برطرف میشه.... دانشگاه صنعتی اصفهان . برای ورودی های سال ۱۳۸۰ نمیدونم کجاها دیگه اجرا شد

البته اون زمان هم فقط ۱۰ نفر رو از دانشکده فرستادن..... گفتن چون آزمایشیه فعلا تعداد کمی رو می فرستیم کارخونه مهندسای اونجا هم خیلی با حوصله تمام نکته ها رو برامون توضیح میدادن.... چون اون زمان هیچکدوم ادعای مهندسی نداشتیم به جای کارگرهای محترم پای دستگاه می ایستادیم و کامل ریزه کاری ها رو یاد می گرفتیم و چون کارگران محترم هم به چشم مهندس به ما نگاه نمی کردن تمام تجربیاتشون رو در اختیار ما قرار میدادن..... جو خیلی خوبی بود...قرار بود در ماههای بعد از من به نوآوری بخوان انجام بدیم.... مثلا روی طرح پارچه ها و یا



دوستان گرامی سلام

برای جلسه بعد کلوپ میخواهم یه کمک جدی کنید و نظر بدین که چه کنیم... الان که داشتیم اعضای کلوپ رو مرور میکردم دیدم چهره های خیلی سرشناس و با تجربه ای اینجا در جمع تقریبا دوهزار نفری خودمون داریم که بیشتر میتونیم از حضورشون استفاده کنیم...

همچنین خیلی از دوستان و مدیران باتجربه در صنایع نساجی که مطالب مربوط به بحث های کلوپ را در مجله نساجی امروز میخوانند ابراز تمایل می کنند که در جلسات حضور یابند و با توجه به اینکه تازه چهار پنج جلسه از تشکیل این نشست ها گذشته نیاز به همفکری و همکاری بیشتر دوستان هست که چطور میتونیم از این پتانسیل ها استفاده کنیم.

هر چند که مجموعه حاضر نیز در حد خودش در خصوص اشتغال ، پرسش و پاسخهای تخصصی و همکاری اقتصادی بین اعضا موفقیت هایی داشته اما پتانسیل ها بسیار بیشتر از اینهاست...

و میتوان با همفکری و برنامه ریزی بهتر حداکثر بهره رو از این فرصت گرفت..



ا.س: به نظر من برای هر جلسه یکی از افراد شناخته شده دعوت بشه که هم ما بتونیم از تجربیاتشون استفاده کنیم هم شاید ما در حد نظر بتونیم کمک کنیم به پیشرفت کارخونشون و بعدش میتونیم بحث آزاد داشته باشیم در مورد صنعت نساجی



ح.ع: به نظر من باید اهداف کلوپ رو مشخص تر کرد و به زیر شاخه‌هایی دسته بندی کردو در هر نشست از تعدادی از همین پتانسیلها دعوت کرد تا بیایند و با همکاری خودشون با کلوپ این مجموعه رو به بهترین صورت ممکن به اهداف مورد نظر هدایت کنند.



س.م: به نظر من پتانسیل های خاص و باید در مواقع بسیار خاص بهره برد. این که چند نفر از پیشکسوت ها تمایل نشان دادند خیلی خوبه و اگه قرار شد هر کدامشان تو جلسه باشن لازمه که جلسه در جهت بهره بری هر چه بیشتر از حضورشون برنامه ریزی کنه. برای مثال معرفی فرد. اطلاع رسانی در موردشون و انتخاب موضوع واضح و مشخصی برای گفتگو... دوستانی در زمینه ی هنرهای تجسمی جلسه برگزار می کردند که هسته ی اولیش و چند نفر اهل مطالعه تشکیل داده بود اما در ادامه رسیده بود به سال چندم و جلسه ی چند صدم که سر و دست براش شکسته می شد و هر جلسه استادی میومد و در مورد موضوع خاصی صحبت می کرد و در آخر شرکت کننده ها سوال می پرسیدند و سطح اطلاعاتی که رد و بدل می شد در حدی زیاد بود که همه رو تشویق به کسب اطلاعات در مورد موضوع قبل از هر جلسه کرده بود... به نظر من با بحث آزاد نمی شه به نتیجه رسید و اینم بگم که روکش کیبورد گم شده و این متن با مشقت زیاد و به شیوه ی آزمون و خطا نوشته شده!



ح.م: به نظر من کم کم باید بحثارو تفکیک کنیم تو هر جلسه. یکی از موضوعاتی که به نظر بنده جالب و کاربردی اینه که بیایم و به تفکیک گرایش دوستان به خصوص دانشجوها اشخاصی رو بیاریم که تو اون زمینه خاص مثل بحث منسوجات نظامی، پزشکی، Geotextiles، رنگ و ... تخصص دارن و اینکه هر کدوم از دوستان در آینده بر طبق اون گرایش مورد علاقه تو کدوم کارخانجات می تونن فعالیت کنن. در این صورت هم افرادی که می خوایم دعوت کنیم هدفمند میان و این باعث ایجاد به انرژی ۲ طرفه می شه. ببخشید اگه نظرم به کم طولانی بود.



ش.ا: به مطلبی رو میخوام اینجا برای اولین بار بگم که خودم هم به تجربه کسبش کردم. البته شاید به موضوع روانشناختی یا فرهنگی باشه اما ذکرش بد نیست...

چند وقت پیش یکی از اعضای کلوپ به من گفت که اینکه تو کلوپ متخصصین جوان و مسن و کم تجربه و با تجربه و تازه کار و پیشکسوت و دانشجو و مدیر کنار هم می نشینند به مقدار نا همگنی ایجاد می کنه... و با عث میشه که بعد از به مدتی بقیه کنار بکشند و فقط دانشجو ها و تازه فارغ التحصیل ها بمونند.

بهر حال همه جا این بحث هست که مدیران یا کارآفرینان یا مجرب تر ها به دیسپلین و نگاه مجرب تر و پخته تری دارند اصلا شاید خود ما هم نسبت به برادر و خواهر یا برادرزاده و خواهر زاده کوچکترومون همیشه همین نگاه رو داشته باشیم که اونها ممکنه کم تجربه تر باشند و بقول معروف " آنچه جوان در آینه مبینند پیر در خشت خام بیند"

اما من همیشه تو جامعه متخصصین هم نگاهم این بود که باید صمیمیت و توام با احترام و حفظ جایگاه و شئوناتی رو بوجود آوریم که بزرگترها و پیشکسوت ها ترغیب بشوند و حضور و حمایتشان پررنگ تر بشه ..من نظرم اینه که درست مثلا مهندس (....) مالک و مدیر چندین مجموعه بزرگ نساجی است و جزو موفق ترین هاست اما وقتی بعنوان یک مهندس نساج و متخصص در کنار متخصصین دیگه حضور داره باید خودش رو فارغ از سمت ها و پست ها ببینه و نگاهش کمی صمیمانه تر باشه و توقع تشریفات و وی آی پی خاصی رو از بقیه نداشته باشه چون تو این جمع ها بعنوان کارافرن سرمایه گذار یا مدیر دعوت نمیشه بعنوان یه متخصص و مهندس دعوت میشه هرچند که طبیعتا به حکم ادب و احترام و بدون تردید همه سعی می کنن جایگاه و موفقیت های ایشان رو مدنظر بگیرند

مخلص کلام اینکه باید یه مقدار همفکری ها و دیدگاهها مطرح و مرور بشه که این تنوع سنی و فکری و تجربی و علمی و مادی و معنوی حاضرین بجای اینکه منجر به دلخوری ها و دلزدگی ها بشه به تحکیم روابط و دوستی ها و کمک ها و موفقیت ها منجر بشه

موافقم که تخصصی شدن بهره وری رو بالا میبره اما باید این رو هم مدنظر قرار بدیم که فعلا نمیتونیم تعداد گروهها و جلسات رو زیاد کنیم و برای زیر شاخه های متنوع برنامه ریزی کنیم ضمن اینکه یکی از محاسن جمع ما اینه که مهندسین و متخصصین با گرایش ها و تجربیات متنوع هستند و این خیلی کمک بیشتری می کنه تا هم تخصص ها کنار هم باشند الان اگر دقت کنید بچه های پوشاک و طراحی لباس خیلی خوب حضور دارند و هم اونها استفاده می کنند از متخصصین نساج هم مهندس های ما از اونها استفاده می کنند و کلا الان هم یک هم پوششی بین بچه ها هست که خیلی خوبه ..

نظر من روی حفظ همین جلسات بصورت دو هفته یکبار تا تشکیل یه هسته قوی و پای کار برای ادامه موضوعه البته با این شرط که خلاقیت و همفکری دوستان در موثر تر شدن و پربارتر شدن کلوپ هم چاشنی قضیه باشه..



س.ص: بابا برید تو کارخونه ها کار کنید... با جلسه اونم وسط تهرون که کار یاد نمیگیرید عزیزان البته اگه به پولش نیاز دارین..اگه ندارین که خوب همین جلسات برای وقت کشی عالییه...



ح.م: بله! اینا همه در کنار هم خوبه:(((البته منظور منم از تفکیک این نبود که جلسات رو متعدد کنیم و یا این فضا رو تغییر بدیم، بلکه بیایم تو همین جلسات و با همین شکل به زمانی رو قرار بدیم واسه این جور بحثای تخصصی مثل همین بحث بازاریابی که خودتون هر جلسه در موردش توضیح و آموزش می دین.



ن.و: استفاده از تجربه بزرگان این صنعت همانند پیروی از قاعده جهش از شاخه به قله است بر این اساس لزوم بزرگان در نشست های تخصصی و استفاده از مجربین کف بازار در بسط و توسعه و رونق این صنعت می تواند نقش بزرگ و بالنده ای داشته باشه همینطور در ایجاد کار افرنی و فرصت آوری برای متخصصین جوان این صنعت میتواند مثرم باشد



ح.ط: سلام. مهندس جان موضوعی که مطرح کردید برای من یک مقدار گنگ هست. فکر می کنم اگر یک مقدار ریزتر وارد بشیم بهتره. یعنی موضوع به موضوع... برای مثال ما در جلسات یک بحث آزاد داریم که



اتفاقا خوبه چون متکلم وحده نداره و همه شرکت می کنند اما هیچ وقت ختم به نتیجه نمیشه چون دیدگاه متفاوت اگر بتونیم برای این بحثها از قبل موضوعی را مطرح کنیم خیلی بهتر میشه ... مورد دیگر اینکه در جلسه آخر ما افراد قوی و با فکر حضور داشتند که مباحث خوبی را بیان کردند اما به شدت از بالا نگاه می کردند و اینجا لازمه که مطلب بالای شما رو که اشاره کردید یکبار دیگه تاکید کنم که متخصصین بعد از حضور واقعا خودشان را به سایر افراد یکسان ببینند. در مورد مکان جلسات هم باید یک فکری کرد که بیش از این باعث ایجاد زحمت برای شما نشیم. با توجه به اینکه تعداد افراد هم داره هر جلسه بیشتر میشه

ش.ا: اتفاقا یکی از دوستانی که تو لیست نظرم رو جلب کردم شما بودی بهرحال هم موفقیت تحصیلی هم موفقیت و تخصص ات تو زمینه شغلیت بعنوان مهندسی که مستقیم پای کار بودی برای بقیه قابل استفاده است اتفاقا یکی از موضوعاتی که این روزها هست همینه که چرا مهندس های ما همه دنبال کار تو تهرانند؟ خب وقتی چهارتا مثل شما بیان تو این جمع و همین فرمایش رو که تو تهران کار یاد نمیدن از زبون هم تخصص های موفقش بشنوه ممکنه واقعا تغییر مسیری تو زندگیش ایجاد بشه...

همین الان کلی شهرستانها هستن که نیروی متخصص میخوان اما پیدا نمی کنن چون همه فکر می کنند باید تو تهران کار کنند. بهرحال درسته کار و درآمد و این فرمایش شما بجاست اما خب این نشست های دوستانه هم به بخشی از زندگی اجتماعی و علاقمندی های گروهی آدم هاست... شاید این بحث مسئولیت اجتماعی که ما تو کشورمون فرهنگش رو زیاد نداریم به جورایی کمک کنه که ما هم نگاهمون به اینم نشست ها و جلسات نگاه بطالت نباشه..

ر.د: سلام و وقت به خیر. به دلیل ساعت کاری و شلوغی سر و گرفتاری- که این روزها اکثریت و به شکل های مختلف اقتصادی و اجتماعی و غیره در حال دست و پنجه نرم کردن باهاشونیم- متأسفانه فقط یک جلسه رو تونستم شرکت داشته باشم، اون هم پیش از نوروز، که البته باعث خوش وقتی ام بود. دورا دور اگر کمکی باشد، در خدمتم.

م.ی.: به نظر من اگه همین جوری و بدون هدف بخوایم یکی رو دعوت کنیم که بخوایم از حرفاشون نکاتی یاد بگیریم شاید خیلی کارآمد نباشه. شاید بهتر باشه اول تصمیم بگیریم که از مهارتهای آن شخص چگونه بیشترین بهره‌وری رو داشته باشیم و بعد دعوتش کنیم. این جوری هم ذهن های خودمون جهت داره و هم از حرفاشون می تونیم نکاتی رو برداشت کنیم. به نکته ی دیگه ام اینه که شاید بهتر باشه اول به هدف کلی برای خودمون بذاریم و بعد در راستای اون هدف از مهره های خوب و متخصص ای که عضو کلوپ شدن استفاده کنیم. پس اول دنبال اون هدف باشیم شاید قدم اول خوبی باشه!!!

و.ح: ی نظر فقط در مورد جلسات (البته با عرض پوزش) برای استفاده بهتر چند تیم تشکیل بشه (ریسندگی، تحقیق و بازار، طراح...) و هر تیم ی لیدر داشته باشه و اعضای کلوپ عضو یک تیم شوند و این جلسات فقط با حضور لیدرها تشکیل بشه و اگر کسی هم از اعضا نظر خاصی داره با لیدرش مطرح کنه و لیدر در جلسه بازگو کنه و اگر نیاز به خود شخص شد، اونوقت ازش دعوت بشه. مثلاً من بعنوان یک ریسنده پنبه نیازی نیست که تو جلسه و بازدید غیر مرتبط حضور داشته باشم، وجود لیدرم

کافی هست، البته قابل ذکر هست که مهندس امامی، منسجم کردن این جلسات و به سود دهی درست رساندن این جلسات بسیار سخت و شاید غیرممکن باشه به همین علت ایننوع جلسات یا بعد از مدتی کم رنگ و یا تبدیل به اردوی تفریحی و در پایان محو میشه، البته این ی نظر شخصی. مرسی که خوندید. یا علی



م.ی: رد. نظر شما اینه که این چند تیم چه کاری یا چه هدفی رو پیش ببرند؟ در ضمن راستش تجربه به من نشون داده که کسیکه حاضر نیست در جلسات حضور خوبی داشته باشه نمی تونه عضو یا لیدر خوبی برای پیش بردن یه هدف باشه!



ح.ع: آقای س.ص با سلام، اولاً اینکه کار در کارخانه ها چه ارتباطی به تشکیل جلسات میتونه داشته باشه؟! بهتر است مسائل رو از هم تفکیک کنیم... این جلسات به نوبه خودش می تونه از صد تا کار تو کارخونه مفیدتر باشه... اون به جای خود این هم به جای خود... فکر نمی کنم هیچ کدوم از دوستان با توجه به موقعیت هایی که داریم دنبال وقت کشی باشند... سعی کنید با فکر بیشتری نظر بدهید... با تشکر



و.ح: دوستان عزیز، مهم اینه که از نتایج و تجمیع تجربیات حاصله از جلسه، سایرین هم استفاده کنند. منظورم اینه که، بصورت پروژه ای روی کارخانجات کار بشه. اگه تو کل سال شما فقط سه تا کارخونه رو بررسی کنید و ی راهکار ارائه بدید که سبب جهش یک پله ای کارخانه هم بشه بسیار میتونه مفید باشه. شما به تعداد کارخانه نگاه نکنید بلکه به تعداد پرسنل کارخانه نگاه کنید که سبب شدید این تعداد نفرات جهش یک پله ای داشته باشند. فکرش رو بکنید که تو جلسه شما نفرات صاحب نظر باشند و یک ایده خوب برای یک کارخانه ققدر میتونه مفید باشه. باز هم تاکید میکنم، بصورت پروژه ای کار بشه، اثربخشی کارتون بیشتر خواهد شد. (اثربخشی مهم است). البته این فقط ی نظر هست. یا علی



م.ن.: با سلام تو این جلسات همین که با چند نفر از کسانی آشنا میشی که تو زمینه کاری خودت کار کردن خیلی خوبه و میشه از تجربیاتشون استفاده کرد خیلی عالیه و ممکنه در بین بحث هایی که میشه ایده های جالبی به ذهن آدم برسه که خیلی کارساز و مفید باشه و حتی میشه یک کار گروهی مفید و به درد بخور انجام داد.



ج.ح: کاش یه فکری هم به حال شهرستانی ها کنیم چون عملاً امکان شرکت در جلسات را ندارند... بعد هم به نظر من جلسات کلی این چنینی و غیر متمرکز روی یک میحث راندمان خوبی رو نداره ... اگه میشد از همین بچه ها یک بانک اطلاعاتی خوب تو کلوپ درست کرد و بعد با توجه به مسائل روزمره نساجی جلسات را تخصصی تر برگزار کرد فکر می کنم بهتر باشه شاید خود بچه های شهرستانی هم بتونن جلساتی با خوشون بزارن...



ح.م.: جناب ج.ح این جلسات در حال حاضر در اصفهان هم در حال برگزاریه و انشالله در شهرهای دیگه هم به زودی شاهد برگزاری باشیم. در مورد سازماندهی جلسات هم هنوز نیاز به زمان هست و روز به روز شاهد پیشرفت مباحث و روند کار هستیم که امیدواریم هر چه زودتر به نقطه مطلوب برسیم.



م.ب: مهندس جان اولاً من در خوش فکری شما و هدفمند بودن کارهاتون شکی ندارم و میدونم شخص شما هیچ وقت بی هدف استارت کاری را نمیزنید شما بهتر از همه میتونید به این جمع که موسسشم خودتون بودید جهت بدید. ثانیاً بنده به عنوان یک کارگر نساج باید عرض کنم مشکل دوستان ما نساجی و اطلاعات مربوط به این رشته نیست همه ما دوست داریم مدیر باشیم بی آنکه اطلاعات مدیریتی داشته باشیم بی آنکه اطلاعات حسابداری داشته باشیم بی آنکه بدانیم سود و زیان چگونه محاسبه میگردد بی آنکه بدانیم کی باید خرید کی باید فروخت ارزش دلار به چه معنی است سیاست گذاری تولید چگونه صورت میگیرد قراردادهای کاری چگونه تدوین میگردد نامه های اداری چگونه تنظیم میگردد خرید از کشورهای دیگر به چه صورت میباشد و ... و اختلاط رنگ، تنظیم ماشین، گرفتن نمره های مختلف نخ از رینگ و تنظیم گرماژ پارچه های تولیدیو ... را مهم و کافیمیدانیم. البته این نظر شخصی منه و من میخوام این مطلبو ذکر کنم که باید به این فکر بود که چگونه باشیم تا کامل و بدون حرفو حدیث، نامبر وان و قابل اعتماد صاحبان صنعت باشیم و به واقع گره های در هم رفته صنعت و تجارت این رشته در کشور را باز کنیم و من فکر میکنم یک نساج باید بر تمام موارد ذکر شده اشراف داشته باشد و خواستار این مطلبم که در این جلسات تربیتی داده شود که صاحبان صنعت از تجربیاتشون در این خصوص و دانستن و ندانستن آنها توضیحات مفصلی ارائه دهند.



ش.ا: من یک تجربه ای دارم اون هم اینه که تو کارهای اجتماعی بدین شکل نقش خود آدم ها تو بهره گیری خیلی زیاده.. از دوستان کسی راجع به این نظری نداده.. یک نگاه استراتژیک و بلند مدت که به این موضوع داشته باشیم خیلی میتونه کمک کنه..

اینکه اینجا به مجموعه ای از اطلاعات و خدمات و اشخاص و تخصص های مختلف هست و این خیلی مهمه که مجموعه ای از تخصص های مختلف در دسترس هست.

من بر خلاف بعضی از دوستان که دنبال مشارکت صد درصدی همه اعضا هستند و حتی میفرمایند غیر فعال ها رو ز کلپ حذف کنید معتقدم که اینجا فقط به بهانه است برای اجتماع نساج ها همانطور که جامعه متخصصین و سایر تشکل ها هم همینطورند.. اینها همه وسیله و ابزارند و این اشخاص هستند که میتونن از اون بهره بگیرند یا به اون ارزش بدهند بنظر من قرار نیست همه مثل هم مشارکت فعال داشته باشند هر چند که این خیلی ایده آل هست اما خب من میدونم که خیلی از دوستان که کامنت نمیگذارن و حتی لایکی هم نمیزنند به جدیت موضوعات کلپ را دنبال می کنند و به وقت لزوم از کامنت ها و موقعیت ها استفاده می کنند و بنظرم این خیلی خوب پسندیده است و نشون میده کلپ تو این بستر سازی موفق بوده..

نمیدونم منظورم رو رسوندیم یا نه؟ اما خلاصه اینکه:

ما نباید دنبال این باشیم که همه چی رو برای همه اعضا حاضر آماده کنیم ما فقط بستر ایجاد می کنیم که هر کسی هرطور که خودش میخواد استفاده کنه..

ما تا اینجا به این نتایج رسیدیم ظر بدین لطفا)

- ۱- دنبال حل و فصل همه مشکلات دنیا تو کلپ نیستیم
- ۲- ما فقط بستر سازی می کنیم و دیدگاههایمان را به اشتراک میگذاریم

و منتشر می کنیم اما توقع نداریم که همه این مشکلات برطرف بشه اما خودمون تو هر محیطی که هستیم به اندازه خودمون تلاش می کنیم

۳- ما سعی می کنیم ابزار ها و بستری رو ایجاد کنیم که متخصصین از ان بهره مند شوند اما دنبال این نیستیم که به همه نیازهای همه اعضا پاسخگو باشیم ما بستر سازی می کنیم و روی نقش اشخاص در بهره مندی از این بستر خیلی حساب می کنیم

۴- جلسات حضوری کلپ و بازدید ها و برنامه های مشابه هر یک میتونن از همین نوع بستر سازی ها باشند که هر کس علاقمند بود میتونه از ان استفاده بکنه و هر کس هم نخواست استفاده نمی کنه پس لزوماً این نیست که کسانی که جلسات رو میاینند فعال اند و بقیه غیر فعال.. این فقط به این معنی میتونه باشه که دوستانی که حضور دارند علاقمندی بیشتری دارند یا فرصتشان اجازه میدهد و یا تشخیصش اینست که میتونن از این بسترها استفاده بیشتری ببرند.

۵- من خیلی از دوستان رو میبینم که در کلپ حتی لایک هم نمیزنند اما به جزئیات موضوعات کلپ را دنبال می کنند و در جریان اخبار هستند این هم به نوبه خودش ستودنی و پسندیده است اما فکر می کنم افزایش مشارکت کیفیت ما رو بالاتر ببره و انگیزه و خلاقیت گروه رو بیشتر کنه..

۶- بحث های فنی و سوال و جوابهای تخصصی کلپ بسیار جذاب و مفیده پیشنهادم اینه که یکی از راههای خوب انتقال تجربه میتونه پست ها و کامنت های خودمونی از این قبیل باشه

۷- بنظرم باید روی روحیه کارگروهی و مشارکت گروهی بیشتر کار کنیم و نباید همیشه بیرون گود نشست و منتظ به اتفاق خوب بود اینجا با حضور این تعداد متخصص خیلی سرمایه و تجربه داریم که خیلی بیشتر از اینها میشه ارزش استفاده کرد اما باید کمی وقت گذاشت و کمی مشارکت کرد.



م.ب: مهندس جان باید خدمتون عرض کنم در جمعی قرار گرفتیم که پتانسیل فرصتهای زیادی را در خود گنجانده و فقط باید از این فرصتها به نحو احسن بهره برداری شود و حضور پر رنگ یا کم رنگ دوستان لزوم موفقیت کلپ نیست (که اگر این حضور پر رنگ باشد بهتر است). دوستمون آقای مهندس ابراهیمی که فقط یک بار در این جلسات شرکت کردند، در همان یکبار زمینه تولید در بخشی مجزا از بخش تولیدی خودشون رو فراهم کردند. این مطلب صحت این موضوع را که { همین جمع شدنها هر چند بی هدف زمینه ایجاد ارتباطات زیادی را فراهم میکند } رو تأیید میکند که برای بدست آوردنش باید زمان و هزینه های زیادی صرف شود.



ن.ا: همین کامنت رو منم گذاشتم اما پست نشد که نشد! مهم این مجموعه از متخصصین هست که دورهم جمع شده اند! الان انتظار یک اتفاق یا حرکت انقلابی در صنعت نساجی یا پوشاک را داشتن یک رویاپردازی نامعقوله! آشنایی این تعداد آدمهایی که در یک زمینه دارند فعالیت، تحقیق یا تحصیل میکنند یک اتفاق عالیست که کمتر ممکنه پیش بیاد. هر کس به تناسب نیاز و پتانسیلی که دارد میتواند از این جمع؛ گردهماییها و بازدیدها استفاده کند. همفکری، همکاری؛ استفاده از تجربیات یکدیگر و تازه های علمی که در این کلپ مطرح میشود؛ ایده های جدید؛ آشنایی با افراد و تخصصهای دیگر... از اولین فایده های این جلسات هست؛ یادنگران بهره وری و این حرفها نباشید... اتفاقهای خوبی دارد در این کلپ میفتد و شما هم خسته نباشین مهندس ش.ا. ممنون